



روایتی از بانوان هنرمندی که حمایت از محیط زیست و کودکان مبتلا به سرطان را با هنرشان پیوند زده‌اند

جانی به تکه پارچه‌ها برای داروی بچه‌ها

ریحانه بنازاده | مغازه و بترین ندارد، اما از همان پشت شیشه رنگ‌ها و سوسه‌مان می‌کنند. رگال‌ها پر از رنگ و نقش است. قفسه‌ها نه فقط محل چیدمان کالا، بلکه نمایشگاهی از عشق، خاطره، معنا و مهر هستند. اینجا «مهرانه» است؛ حاصل دغدغه‌مندی تعدادی از بانوان که تصمیم گرفته‌اند اوقات فراغتشان را به کاری گره بزنند که هم به طبیعت احترام بگذارند و هم مرهمی برای درد کودکان مبتلا به سرطان باشند.

آغاز یک مسیر دوستانه

مرضیه رضایی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، همراه با دوستش، اعظم قناعتی، خیاط با سابقه، آغازگران این مسیر هستند و این‌طور می‌گویند: «مهرانه نه با سرمایه‌گذاری بزرگ و نه با برنامه‌ای از پیش طراحی شده، بلکه از دل یک فعالیت دوستانه در خانه شکل گرفته است. هدفمان ساده بود، گذراندن اوقات فراغت به شکلی هدفمند و پاسخ به یک دغدغه مشترک که حفظ محیط زیست و جان بخشیدن به کودکان بود. اعظم قناعتی کسی بود که تکه پارچه‌های دورریختنی را به خانه آورد و در این باره می‌گوید: کار من با پارچه‌هایی است که معمولاً دورریز محسوب می‌شوند. این تکه‌ها به جای آنکه سر از سطل زباله درآورند، روی میز خانه پهن شدند و به تصویرهای خلاقانه بدل گشتند. تصویرسازی با پارچه‌ها آن قدر زیبا و الهام‌بخش بود که خیلی زود دوستان دیگر هم به جمع ما اضافه و جذب این نقاشی پارچه‌ای شدند.»

هنر از دل احساس و ادراک

پس از گذشت چندین ماه، امروز مهرانه یک تیم حدود بیست نفره است؛ با حضور بانوانی که برخی در خانه و برخی در کارگاه و مغازه فعالیت دارند که همگی داوطلبانه و افتخاری است. آثار هنری اینجا محصول دست‌ورعمل یا الگویی از پیش تعیین شده نیست، این راشادی شاملو، نویسنده و ایده‌پرداز کارهای سوزن دوزی تیم، می‌گوید و ادامه می‌دهد: «خلق آثار ابداعی، بیشتر از آنکه وابسته به تکنیک باشد، از تراوش حس و حال دلی جمعی ماست. گاهی از فضای مجازی الهام می‌گیریم، اما اصل کارمان تجربه زیسته و نگاه شخصی است. اصل حرکت برای کمک هزینه تهیه داروهای کودکان مبتلا به سرطان است، اما نگاه محیط‌زیستی در مهرانه بسیار پررنگ است. مرضیه خانم بیشتر در باره‌اش توضیح می‌دهد: پارچه‌ها در وضعیت خاص (دفن در خاک) تجزیه می‌شوند، اما متأسفانه هنوز در ایران سیستم تفکیک و دفع پارچه وجود ندارد و بیشتر با زباله‌های دیگر ادغام می‌شوند. پارچه‌های پلاستیکی ممکن است سی‌چهل سال در محیط زیست باقی بماند، اما پارچه‌های نخی زمان کوتاهی می‌برد. همین واقعیت تلخ، انگیزه جدی برای استفاده دوباره و خلاقانه از تکه پارچه‌ها برای ما شد. در ادامه صحبت‌های او، شادی خانم می‌گوید: بعضی خیاط‌های امروزی برخلاف گذشته کمتر حوصله تبدیل تکه پارچه‌ها به چهل تیکه را دارند. مهرانه این حلقه گم شده را پیدا کرده است. تکه پارچه‌های اهدایی مزون‌ها یا طاقه‌های پایانی پارچه‌فروشی‌ها با نگاهی هنرمندانه به آثاری فاخر تبدیل می‌شود که خیلی‌ها از دیدن آن‌ها تعجب می‌کنند و باور ندارند که این‌ها را کلی بالا و پایین کرده‌ایم تا کنار هم به اثری هنری تبدیل شوند که هم طبیعت حفظ شود و هم فروش آن درآمدی باشد برای نجات جان کودکی گرفتار در دام سرطان.»

تنوع محصولات، یک امضای مشترک

هرچه از هنر و خلاقیت بخواهید، اینجا پیدا می‌شود. در میان محصولات از لباس، رومی‌زی، روانداز و کیف گرفته تا تابلوهای هنری و کیسه‌های هدیه پیدا می‌شود. شادی شاملو در این باره می‌گوید: برای من خلق هر اثر هنری داستان و قصه خودش را دارد. گاهی برایم لباس‌های قدیمی‌هایی را می‌آورند که بیش از صدسال قدمت دارد یا پارچه‌های داخل صندوقی را اهدا می‌کنند که از نسل قبل از خودشان بوده است. پیش از آنکه لباس‌ها یا پارچه‌ها را تکه‌پاره کنم، به دقت نگاه می‌کنم و خودم را در گذشته تصور می‌کنم. در نهایت خیال بافی‌هایم را با فیچپی می‌برم و آن‌ها را به یک اثر هنری تازه و نو تبدیل می‌کنم. گاهی سر انگشتانم گزگز می‌کند. وقتی سوزن به جای پارچه در سر انگشتانم فرومی‌رود می‌سوزد، مطمئنم که هنوز زنده‌ام. لباسی که از یک پارچه اهدایی ساخته شده یا رومی‌زی‌ای که از

